

شرق

بزرگ‌ترین نمایش میدانی دفاع مقدس تحت عنوان «معبری به آسمان» در شهر جدید پرند اجرا می‌شود / عکس: محمود رحیمی، مهر



زندگی دیگران

ما هم مثل شما هستیم

می‌خواند، از احساسات ذوب شود و با صدای رعدآسایی از جانب مردم کره شمالی به دشمنان کیم حمله کند. اما اکنون، چهره‌های جدیدی قدم به میدان گذاشته‌اند، دختران جوان و شاد مانند «یون آ» که می‌خواهند جنبه‌های دوستانه‌تری از کشور، به‌ویژه پایتخت نمایشی آن، پیونگ‌یانگ را معرفی کنند. آنها بینندگان را به داخل رستوران‌ها، فروشگاه‌های مواد غذایی، متروی بازسازی‌شده و حتی خانه کاملاً میله یک خانواده طبقه متوسط می‌برند. آنها بعضی اوقات به انگلیسی صحبت می‌کنند یا تصاویر را با زیرنویس‌هایی به انگلیسی، چینی یا آلمانی ارائه می‌دهند. اما به گزارش نیویورک‌تایمز با وجود بسته‌بندی جدید و خوش رنگ‌ولعاب، هنوز هم می‌توان نشانه‌هایی از سلطه دولت را در این فیلم‌ها مشاهده کرد؛ زنانی که شبیه مجریان تلویزیون لباس می‌پوشند، معمولاً با سنجاق یقه را می‌بندند و در پس‌زمینه همیشه تصاویری از پدر و پدربزرگ آقای کیم به چشم می‌خورد. تصاویری که همه اهالی کره شمالی به نشانه وفاداری خود باید داشته باشند.

در یکی از قسمت‌هایی که به‌تازگی در کانال یوتیوب «یون آ» منتشر شده است، دختران و پسران «روز جوان» را در پیونگ‌یانگ جشن می‌گیرند و در یک کنسرت در فضای باز به رقص و آواز می‌پردازند. زیر پرتهای کورکنده نور که کنسرت‌های راک غربی را به ذهن متبادر می‌کند، مجریان با خواندن آهنگ‌هایی درباره میهن و «ژنرال عزیز ما» به اجرای حرکات رقص کی-پاپ مشغول هستند. کانگ دونگ وان، کارشناس رسانه‌های کره شمالی در دانشگاه دوگ-آ در کره جنوبی، به نیویورک‌تایمز گفت: «ایده ایجاد تصویری عادی از کره شمالی سبب می‌شود تا خارجی‌ها باور کنند مردم در آن زندگی عادی دارند. این تبلیغات در راستای سیاست‌های جدید کیم برای مدرن‌کردن کشورش است.» او خود سال گذشته با کتی متفاوت از کت ماتو و با پوشیدن کت و شلوار غربی سخنرانی سالانه خود را انجام داد. دو ماه بعد، او به



رسانه‌ها از تصویب قانونی در مجلس تاجیکستان خبر داده‌اند. مجلس نمایندگان تاجیکستان اصلاحاتی را در قانون «ثبت و نگهداری وقایع زندگی» به تصویب رساند که مطابق با آن استفاده از پسوند‌های روسی (اسلاو) در نام خانوادگی و نام پدر برای شهروندان این کشور ممنوع شد. به گزارش خبرگزاری ریانووستی روسیه مطابق با این سند، هنگام ثبت‌نام خانوادگی این نوزادان، نمی‌توان از پسوند‌های «اف» و «یف» در نام خانوادگی و همچنین «اویچ» و «یویچ» و «اون» و «یون» در نام پدر استفاده کرد.

در واقع به جای او‌ا در اسم زنان دخت و اف و پف جایش را به پور می‌دهد. روشنفکران تاجیک از اقدام

www.sharghdaily.ir
دوشنبه ۷ مهر ۱۳۹۹ و ۱۰ صفر ۱۴۴۲
۲۸ سپتامبر ۲۰۲۰
سال هجدهم • شماره ۳۸۲۸ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۵ • اذان مغرب ۱۸:۱۰
اذان صبح فردا ۴:۳۴ • طلوع آفتاب ۵:۵۸
fardashargh@gmail.com

روزنامه‌روا

نور نوشت

چقدر باغ ملی رفتن خوب است/ چقدر مژه پیسی خوب است/ چقدر سینمای فردین خوب است. آن روز ایرج راد با من جلسه داشت و من تنها نبودم؛ پیشنهاد کردم که در مراسم شرکت کنیم چون رسماً نخواهیم توانست مرگ فردین را تسلیت بگوییم. او موافقت کرد و ما پیاده و درحالی‌که موج مردم ما را با خود می‌برد، به طرف ورزشگاه روانه شدیم... در راه من خاطره نشست‌هایی را که با مرحوم فردین به همت علی حاتمی داشتیم، برایش تعریف می‌کردم که مفصل است و جایش اینجا نیست و فقط اشاره کنم که آن دو بزرگوار هر دو به این نتیجه رسیده بودند که بازسازی و تغییر کاربری سینما جمهوری-نیاکارا- را به من محول کند و پس از پذیرش من در خانه علی حاتمی نشستنی و شبه‌جشنی برگزار شد، به میمنت تأسیس سینما تئاتر جمهوری. هرچند این طرح ناکام ماند اما من شیفته انسانی‌شدم که بی‌معلم و بی‌م رشد و بی‌راهنما آداب حفظ شهرتش را می‌دانست... موج مردم ما را می‌برد و ما وارد ورزشگاه شدیم؛ میزان جمعیت باورنکردنی بود، از آن جهت که خبر فوت محمدعلی فردین و برگزاری مراسمش اعلام عمومی نشده بود،

چقدر شاد و ملسی رفتن خوب است/ چقدر مژه پیسی خوب است/ چقدر سینمای فردین خوب است. آن روز ایرج راد با من جلسه داشت و من تنها نبودم؛ پیشنهاد کردم که در مراسم شرکت کنیم چون رسماً نخواهیم توانست مرگ فردین را تسلیت بگوییم. او موافقت کرد و ما پیاده و درحالی‌که موج مردم ما را با خود می‌برد، به طرف ورزشگاه روانه شدیم... در راه من خاطره نشست‌هایی را که با مرحوم فردین به همت علی حاتمی داشتیم، برایش تعریف می‌کردم که مفصل است و جایش اینجا نیست و فقط اشاره کنم که آن دو بزرگوار هر دو به این نتیجه رسیده بودند که بازسازی و تغییر کاربری سینما جمهوری-نیاکارا- را به من محول کند و پس از پذیرش من در خانه علی حاتمی نشستنی و شبه‌جشنی برگزار شد، به میمنت تأسیس سینما تئاتر جمهوری. هرچند این طرح ناکام ماند اما من شیفته انسانی‌شدم که بی‌معلم و بی‌م رشد و بی‌راهنما آداب حفظ شهرتش را می‌دانست... موج مردم ما را می‌برد و ما وارد ورزشگاه شدیم؛ میزان جمعیت باورنکردنی بود، از آن جهت که خبر فوت محمدعلی فردین و برگزاری مراسمش اعلام عمومی نشده بود،

اما هر لحظه بر میزان آنها اضافه می‌شد؛ من به ایرج گفتم: زیر دست‌وپا له می‌شویم و بهتر است که برگردیم اما از پشت‌سرمان یک هم‌نوابی عجیب شنیده می‌شد که هیچ مناسبتی با سوگواری نداشت:

«...شده‌ش درازه، هیچ بابا، من بودم و حاجی نهصد، رضا پونصد... کریسم آقامونم بده...»؛ این جملات را جمعیتی همخوانی می‌کردند که «بهمن مفید» از غربت برگشته را قلم‌دوش گرفته و به طرف تابوت فردین پیش می‌رفتند. یکی از چهره‌های محبوب آن جماعت، آن توده عاشق سینمای غیروشنفکری، در تابوت و دیگری بر دوش‌شان بود. هر شعار سیاسی فراموش شده بود؛ آنها نشان می‌دادند که گوش‌شان به‌دکار بلندگو نیست. ناگهان، خدا می‌داند از کجا هلیکوپتری بر بالای ورزشگاه چرخ‌زان پایین آمد تا تابوت بازیگر محبوب مردمان ساده‌دل را به آسمان ببرد. بهمین مفید هم هر جور که بود از کرده هوادارانش پایین آمد و با



بازیگری‌اش در شهر قصه برادرش بیژن را به یاد نمی‌آورند اما همان سینمای جاهلی، آب‌خوشتی، فیلم‌فارسی، فردینی و... او را جاودانه کرد! این گناه و تقصیر اوست یا گناه و تقصیر کسانی که استعداد‌های تئاتر را عمداًلنه به مسیر دیگری سوق می‌دهند... خواست و اراده هرکس که بود باید سیاسگزار سینما باشیم که بازیگران را درشت‌تر، جذاب‌تر و ماندگارتر می‌کند، درحالی‌که اگر بازیگری در نقش «یتی» قیصر در قیاس با آنچه او در سلطان مار بیضانی در نقش داروغه قیاس کنیم، تفاوت از زمین تا آسمان است. دریغ که اکنون این‌بازیگر خانه و محفل دوستانه و صحنه و پرده ولو برای بیان خاطراتش در میان‌مان نیست.

یادبود

مرگ ناگهانی فردین و دیدن بهمن مفید



بهروز غریب‌پور

ما چاق سلامتی کرد؛ بعدها معلوم شد که دلش هوای وطن کرده و در عهد اصلاحات برگشته است، برگشتنی که تا مرگ ادامه یافت. با اینکه تا این اواخر هم اجازه فعالیت نداشت و با نام مستعار بهمن فریور، نام فامیلی مادرش، صدایشگشی می‌کرد، اما هرچه بود در اینجا بود که همه او را می‌شناختند و آرزوی محالی که شفیع‌ی‌کدکنی از آن می‌گوید میسر نبود و نیست:

ای کاش آدمسی وطنش را/ مثل بنفشه‌ها / در جعبه خاک / یک روز می‌توانست / همراه خویش ببرد، هر کجا که خواست... اما در ایران و بیشتر در تهران بود که او را به دوش می‌گرفتند، در اینجا بود که می‌توانست از حوالی قهوه‌خانه «درویش» بگذرد و محمد گردویی یا محمد سرباز را به یاد بیاورد که مونولوگ فیلم قیصر را او از این لافزن خوش‌کلام و دوست‌داشتنی هنرمندانه تقلید کرده بود: «چشممون رو که وا کردیم دیدیم مریض‌خونه روساس، ما گفتیم زدم شام بگین زد...». در خاک وطن بود که می‌توانست از جلوی تالار سنکلیج پیاده یا سواره بگذرد و نمایش سلطان مار بیضانی را به یاد بیاورد که در نقش «داروغه» درخشیده و تماشاگران را با شکل و چشمک و شلنگ‌تخته‌انداختن ارادی و بسیاری ماهرانه، به‌اصطلاح مراسم خاک‌سیاری سلطان از خنده روده‌بر بکند، اما حیف که دامنه شهرت تئاتری‌های آن‌قدر کم است که اگر او هزار بار و هزار نقش را به همان قدرت و صلابت آفریده بود، از دنیا که می‌رفت این‌همه آه و حسرت و دریغ و افسوس در میان نبود؛ بهمن مفید دانسته راهی را انتخاب کرده بود که اگر هیچ اعتبار فرهنگی‌ای برایش به بار نمی‌آورد حداقل او را مشهور و معروف و تا حدی بی‌نیاز از مواج‌بگیری دولتی می‌کرد؛ ششدرغازی که توبیخ و تنبیه و کسر حقوق هم در بی داشت، درحالی‌که در ۷۰ فیلم سینمایی نان همان مونولوگ چند دقیقه‌ای فیلم قیصر را می‌خورد و اگر در زمان حیات بر دوش و زمان مرگ بر شانه‌های مردم قرار گرفت، به اعتبار حضورش بر پرده سینما و جا‌واکردن در دل مردم بود. من بسیاری از تئاتری‌ها را می‌شناسم که بهمین مفید‌الترین، در نقش زال و در صحنه تالار رودکی -وحدت-، بازیگری او گروه تئاتر ملی به کارگردانی عباس جوانمرد،

بازیگری‌اش در شهر قصه برادرش بیژن را به یاد نمی‌آورند اما همان سینمای جاهلی، آب‌خوشتی، فیلم‌فارسی، فردینی و... او را جاودانه کرد! این گناه و تقصیر اوست یا گناه و تقصیر کسانی که استعداد‌های تئاتر را عمداًلنه به مسیر دیگری سوق می‌دهند... خواست و اراده هرکس که بود باید سیاسگزار سینما باشیم که بازیگران را درشت‌تر، جذاب‌تر و ماندگارتر می‌کند، درحالی‌که اگر بازیگری در نقش «یتی» قیصر در قیاس با آنچه او در سلطان مار بیضانی در نقش داروغه قیاس کنیم، تفاوت از زمین تا آسمان است. دریغ که اکنون این‌بازیگر خانه و محفل دوستانه و صحنه و پرده ولو برای بیان خاطراتش در میان‌مان نیست.

پرنده آبی

محرم یا سفر

بستری به علت کووید۱۹ را مشاهده می‌کنیم. در این میان همه هم در حال متهم‌کردن یکدیگر به دامن‌زدن به موج سوم بیماری هستند. گروهی برگزاری مراسم مختلف را عامل گسترش بیماری می‌دانند و عده‌ای دیگر سفرهای پر تعداد در شهرپور را عامل این مسئله قلمداد می‌کنند. دکتر علی‌اکبر حق‌دوست، معاون آموزشی وزیر بهداشت، یکی از دلایل اوج‌گیری کرونا در شهریور ۹۹ را «مسافرت‌های شهریور، تجمعات و مراسمات محرم (اگرچه در اکثر نقاط کشور برگزاری مراسمات همراه با رعایت کامل پروتکل‌ها بوده اما ممکن است خطرات خاصی در برخی از مراسمات که به توصیه‌های بهداشتی کمتر توجه کرده‌اند، ایجاد شده باشد» می‌داند.
باین‌حال درحالی‌که مشاهدات عینی هم نشان می‌دهد هر دو گروه با عدم رعایت پروتکل‌ها در یک ماه گذشته باعث اوج‌گرفتن بیماری شده‌اند اما همچنان دوقطبی‌سازی و متهم‌کردن یک گروه به عدم رعایت پروتکل بهداشتی ادامه دارد. مسئله‌ای که واکنش حجت نظری، عضو شورای اسلامی شهر تهران را هم در پی داشت. آقای نظری روز گذشته از معمرکد صداوسیما در دوقطبی‌سازی و متهم‌کردن یک گروه به دامن‌زدن به شیوع کرونا انتقاد کرد و گفت: خواسته من از صداوسیما و دیگر رسانه‌ها توجه‌دادن بیشتر مردم به مسئله کرونا و در عین حال پرهیز از ایجاد دوقطبی در متهم‌کردن گروهی از مردم نسبت به افزایش آمار کروناست.
اینکه ما بخواهیم صرفاً اوج‌گرفتن موج کرونا همچنان شاهد پایین‌آمدن رعایت پروتکل‌های بهداشتی از سوی مردم هستیم، روز گذشته دکتر سیماسادات لاری، سخنگوی وزارت بهداشت درباره اهمیت رعایت پروتکل‌های بهداشتی کرونا گفت: در حال حاضر میزان رعایت پروتکل‌های بهداشتی در کشور به ۶۱،۸۵ درصد رسیده و شاهد روند نزولی در این زمینه هستیم و از آن طرف روند صعودی ابتلا و

تلنگر

«خط فقر» را چه شده است؟



● خبری در رسانه‌های داخلی (من این خبر را در خبرگزاری تابناک مطالعه کردم) منتشر شد مبنی‌بر اینکه طبق اعلام بازرس مجمع عالی نمایندگان کارگران کشور خط فقر برای خانوارهای چهارنفره ۱۰ میلیون تومان شد. تیت‌ر خبر کوتاه است، اما وقتی به این رقم نگاه می‌کنیم متوجه عمق مسئله می‌شویم؛ البته شاید متوجه شویم، اینکه این رقم با چه فرمولی محاسبه شده است، حتما بازرس محترم مستندات و تحلیلی دارند، ولی اینکه این رقم مورد تأیید دولتمردان هم هست یا نه، موضوع مهم دیگری است که معمولاً هم قبول ندارند. حال این رقم را مقایسه کنیم با حداقل حقوق کارگران که دولت هرساله براساس مکانیسمی تعیین می‌کند؛ نتیجه نشان می‌دهد که رقم خط فقر اعلام‌شده از سوی بازرس مجمع عالی نمایندگان کارگران کشور، سه برابر بیشتر است. این یعنی زندگی خیلی سخت شده است. بدون شک این حداقل حقوق دریافتی کفاف هزینه‌های خانواده‌ها را نخواهد داد؛ به‌ویژه اگر خانواده‌ها دانشجو و دانش‌آموز و خدای ناکرده بیمار خاص و صعب‌العلاج، فرد دارای معلولیت و... هم داشته باشند و مجبور به پرداخت اجاره‌خانه و... هم شوند که واولاست، حال نیم‌نگاهی هم داشته باشیم به خانواده‌هایی که تحت پوشش سازمان‌های بهزیستی و کمیته امداد هستند. طبق تعرفه اعلام‌شده خانواده چهار، پنج‌نفره و بیشتر ماهانه ۵۰۰ هزار تومان مستم‌ری دریافت می‌کند، البته کمی هم کمک‌های مودی (غیرمستمر) و غیرنقدی هم می‌گیرند که همه آنها را با هم جمع و ضرب و... کنیم باز هم یک میلیون تومان نمی‌شود. اکثرشان هم مشکل مسکن و... دارند که هزینه‌های زندگی‌شان را مضاعف می‌کند. در کنار این افراد، بازنشنگان هستند که باز هم میزان مستم‌ری اکثر آنان با این خط فقر اعلام‌شده بسیار فاصله دارد. آمار بی‌کاران را هم اضافه کنید به آن افرادی که در بالا نداریم و شرم‌زده مردم هستیم و این خط فقر هر چقدر بالاتر می‌رود شرمندگی ما هم در مقابل مردم بیشتر می‌شود. بی‌دلیل نیست که این‌گونه بارها و بارها شنیدیم که اگر فقر از دری وارد شود، ایمان از در دیگر خارج می‌شود (گرچه برخی معتقدن عین این عبارت وجود ندارد) یا در برخی روایات فقر را همسایه دیوار به دیوار کفر قلمداد می‌کنند که به دلیل عوارض منفی ناشی از کنترش فقر است («کاد الفقر یكون کفراً»، مطلبی را مطالعه می‌کردم که از اصول کلام نقل کرده بود که مشابه این روایت، اما گویاتر است که منظور از فقر، فقر اقتصادی است، طبق برخی از نقل‌ها در آخرین خطبه‌ای که پیامبر اکرم (ص) در حالت بیماری در مدینه برای مردم خواندند، گفته شده است: «به کسانی که بعد از من می‌آیند و حکومت را به دست می‌گیرند و خلیفه می‌شوند، چند توصیه دارم». یکی از توصیه‌های پیامبر اکرم (ص) آن است که «لم یفرقم فیکمفرهم» یعنی «افرادی که بعد از من قدرت را در دست می‌گیرند بترسند از اینکه سیاست‌هایی اتخاذ کنند که مردم را فقیر کند و در نتیجه آنان به کفر کشیده شوند». به این معنا که مراقب باشید سیاست‌ها، عمل و اداره کشورتان به گونه‌ای نباشد که منجر به فقر مردم شود. به دنبال آن می‌فرمایند که اگر شما به دلیل سیاست و اداره نادرست خود، فقر اقتصادی را در جامعه به وجود آورید، مردم را به کفر می‌کشانید. فقر معنوی و احساس خلا شخصیتی نیست بلکه به طور روشن پیامبر اکرم (ص) از فقر اقتصادی می‌گوید. همین کلمات را در نهج‌البلاغه هم داریم. یک نمونه آن عهدنامه مالک اشتر (نامه ۵۳) است: «خدا را خدا، را در باب طبقه فرودین: کسانی که بیچارگان‌اند از مساکین و نیازمندان و یتیمان و زمین‌گیران. در این طبقه، مردمی هستند سائلان و مردمی هستند که در عین نیاز روی سؤال ندارند. خداوند حتی برای ایشان مقرر داشته و از تو خواسته است که آن را رعایت کنی؛ پس، در نگه‌داشتن آن بکوش. برای ایشان در بیت‌المال خود حقی مقرر دار و نیز بخشی از غلات اراضی خالصه اسلام را، در هر شهری، به آنان اختصاص ده. زیرا برای دورترین‌شان همان حقی است که نزدیک‌ترین‌شان از آن برخوردارند. و از تو خواسته‌اند که سهمی را، عم از آن دور و نزدیک، نیکو رعایت کنی. سر حتمی و غرور، تو را از ایشان غافل نسازد، زیرا این بهانه که کارهای خرد را به سبب پرداختن به کارهای مهم و بزرگ از دست هشتن، هرگز پذیرفته نخواهد شد.» همه این موارد نشان می‌دهد که باید از فقر اقتصادی ترسید؛ چراکه فقر می‌تواند ریشه‌های انحراف را بیش‌ازپیش فراهم کند. گرچه، سبب ممکن است این سؤال را مطرح کنید اختلاسگرانی که ایس روزها بیش از همیشه نا‌فشان در رسانه‌ها منتشر می‌شود نه تنها فقیر نیستند؛ بلکه بسیار هم متمول‌اند، پاسخ من این خواهد بود که در میان ثروتمندان هم انحرافات را داریم و ثروت به‌تنهایی مانع فساد نیست. مراقب باشیم تا فشارهای اقتصادی ایران فساد را تشدید نکند. حال که کرونا هم در دنیا ازجمله ایران عزیز بر این فشارها دامن زده است، مراقبت بیشتری کنیم و هوای نیازمندان، مردم، کارگران و بیماران، سالمندان، بازنشنگان و... را بیش‌ازپیش داشته باشیم و کمی هم واقع‌بین باشیم؛ واقعاً فقر وجود دارد.